

جامعہ باز  
و  
دشمنان آن

کارل پوپر  
ترجمہ  
رحمت الہ جباری



## فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار مترجم
۹	زندگی‌نامه کارل. ریموند پوپر
۱۳	دیباچه نخستین نشر
۱۵	دیباچه دومین نشر
۱۹	مقدمه

### دفتر اول: افسون افلاطون

#### اسطوره اصل و سرنوشت

۲۹	فصل یکم: تاریخ‌گرایی و اسطوره سرنوشت
۳۳	فصل دوم: هراکلیتوس
۴۵	فصل سوم: نظریه افلاطون درباره صور یا مُثُل

#### جامعه‌شناسی توصیفی افلاطون

۶۹	فصل چهارم: تغییر و سکون
۱۰۳	فصل پنجم: طبیعت و پیمان

#### برنامه سیاسی افلاطون

۱۴۵	فصل ششم: دادگری دولت خودکامه
۱۹۷	فصل هفتم: اصل رهبری
۲۲۵	فصل هشتم: پادشاه فیلسوف

فصل نهم: زیباگرایی، کمال‌گرایی، سراب‌گرایی..... ۲۵۳

### پیشینهٔ تاخت و تازِ افلاطون

فصل دهم: جامعهٔ باز و دشمنان آن..... ۲۷۱

## دفتر دوم: اوج پیشگویی و پیام‌آوری - ظهور و بروز فلسفهٔ پیشگویی

فصل یازدهم: فلسفهٔ هگل و ریشه‌های ارسطویی آن..... ۳۲۳

فصل دوازدهم: هگل و قبیله‌گرایی نو..... ۳۶۱

### روش مارکس

فصل سیزدهم: جبرگرایی در جامعه‌شناسیِ مارکس..... ۴۴۱

فصل چهاردهم: استقلالِ جامعه‌شناسی..... ۴۵۵

فصل پانزدهم: تاریخ‌گرایی اقتصادی..... ۴۷۱

فصل شانزدهم: طبقات..... ۴۸۷

فصل هفدهم: نظامِ قانونی و نظامِ اجتماعی..... ۴۹۷

فصل هجدهم: فرارسیدنِ جامعه‌گرایی..... ۵۲۳

فصل نوزدهم: انقلاب اجتماعی..... ۵۳۹

فصل بیستم: سرمایه‌گرایی و سرنوشت آن..... ۵۶۹

فصل بیست و یکم: سنجش و ارزشیابیِ پیشگویی..... ۶۰۹

فصل بیست و دوم: نظریهٔ اخلاقی در مکتب تاریخ‌گرایی..... ۶۱۹

### پیامد

فصل بیست و سوم: جامعه‌شناسیِ معرفت..... ۶۳۹

فصل بیست و چهارم: فلسفهٔ پیشگویانه و شورش بر ضدِ خرد..... ۶۵۷

### نتیجه‌گیری

فصل بیست و پنجم: آیا تاریخ معنایی دارد؟..... ۷۰۹

اعلام..... ۷۴۳

# اسطوره‌‌‌‌‌ اصل و سرنوشت

## فصل یکم: تاریخ‌گرایی و اسطوره‌‌‌‌‌ سرنوشت

اغلب خردمندان باور کرده‌اند که اتخاذ موضع علمی یا فلسفی درست درباره‌‌‌‌‌ امور سیاسی، و حصول ادراکی ژرف‌تر از زندگی اجتماعی، مستلزم آن است که همه‌‌‌‌‌ یکسره بر شالوده‌‌‌‌‌ تفکر و تأمل و تفسیری از تاریخ انسانی بنا گردد. فرد عادی قرارگاه زندگی و اعتبار تجربه‌‌‌‌‌های شخصی و تلاش‌های اندک خود را می‌پذیرد، ولی چنان که گفته‌اند، دانشمند یا فیلسوف علوم اجتماعی، باید همه‌‌‌‌‌ امور و اشیاء را از نظرگاهی برتر و بالاتر بنگرد و ارزیابی کند. او وجود مستقل انسان را چون پیاده‌‌‌‌‌ شطرنج می‌بیند و کم و بیش همانند ابزاری بی‌مقدار در توسعه و تکامل نوع بشر می‌داند، و درمی‌یابد که بازیگران مهم و واقعی در صحنه تاریخ، یا ملت‌های بزرگ و رهبران بزرگ ایشان هستند. یا شاید طبقات بزرگ یا اندیشه‌‌‌‌‌های بزرگ باشند. به هر حال ممکن است تلاش کند که معنا و مفهوم این بازی را، که بر روی صحنه اجرا می‌شود، درک کند. او می‌کوشد که قوانین توسعه و تکامل تاریخی را دریابد و اگر در این زمینه کامیاب شود، البته قادر خواهد بود که گسترش‌ها و تکاملات آینده را پیش‌گویی کند، آنگاه شاید بنای موضوعات سیاسی را بر پایه‌‌‌‌‌ای استوار بنهد، و به ما بگوید که کدام کارکردهای سیاسی شایسته کامیابی است و کدام شایسته شکست است و بدین‌گونه تدرزهای علمی را به ما عرضه کند.

این توصیفی کوتاه از ایستاری است که من «تاریخ‌گرایی» می‌نامم، که اندیشه‌‌‌‌‌ای

کهن است. یا بیشتر مجموعه‌ای کم و بیش پیوسته از اندیشه‌هایی است که سوگمندان آن چنان بخشی از فضای روانی ما را فرا گرفته، که طبق معمول به عنوان امر مسلم پذیرفته شده است و به ندرت درباره آن تردید می‌کنند و می‌پرسند.

در جای دیگر کوشیده‌ام که نشان دهم که نتایج رویکرد تاریخ‌گرا به علوم اجتماعی ناچیز است. هم چنین تلاش کرده‌ام که خطوط کلی روشی را ارائه کنم که معتمد نتایج بهتری به بار می‌آورد.

اگر تاریخ‌گرایی یک روش و راه معیوب باشد که نتایج بی‌ارزش به بار آورد، پس شاید مفید باشد که دریابیم این آموزه چگونه آغاز شده و چگونه در موضع‌گیری خود کامیاب گردیده و پایدار مانده است. برای نیل بدین جُسته و خواسته می‌توان نقشه ساده تاریخی را ترسیم کرد، ولی در عین حال آن را برای تحلیل عقاید گوناگونی به کاربرد که به تدریج پیرامون آموزه محوری تاریخ‌گرایی گرد آمده است. - نظریه‌ای که می‌گوید تاریخ تحت حاکمیت قوانین ویژه تاریخی یا تکاملی تنظیم و تدوین شده است و کشف این قوانین به ما توانایی می‌دهد تا سرنوشت انسان را پیش‌گویی کنیم.

من تاکنون تاریخ‌گرایی را کم و بیش تنها به شیوه‌ای مجرد، با نشانه‌های اختصاصی توصیف کرده‌ام و حال می‌توانم با معرفی یکی از ساده‌ترین و کهن‌ترین گونه‌های آن - همان نظریه قوم برگزیده - تاریخ‌گرایی را به خوبی تعریف نمایم. این نظریه یکی از تلاش‌هایی است که می‌خواهد با ارائه تفسیری خداپرستانه، رَوَندِ تاریخ را قابل درک و دریافت سازد. بدین معنی که پروردگار را به عنوان خالق و نویسنده نمایشنامه اجرا شده در صحنه تاریخ معرفی می‌نماید. به سخن شاخص‌تر نظریه قوم برگزیده، فرض می‌کند که پروردگار قومی یگانه را اختیار کرده تا به عنوان ابزاری برگزیده، اراده وی را اجرا کنند. و همین قوم وارث زمین خواهند شد.

در این نظریه اراده پروردگار، قانون توسعه و تکامل تاریخی را مقرر کرده است. این خود، شاخصی است که تفاوت تاریخ‌گرایی خداپرستانه را از گونه‌های دیگر

تمایز می‌سازد. به عنوان نمونه تاریخ‌گرایی طبیعت‌گرا می‌تواند قانون توسعه و تکامل را به عنوان یک قانون طبیعی مطرح کند. تاریخ‌گرایی روحانی، آن را به عنوان یک قانون توسعه و تکامل امور روحانی مطرح نماید. و در مقابل آن، تاریخ‌گرایی اقتصادی، به عنوان یک قانون توسعه و تکامل اقتصادی مطرح می‌شود. تاریخ‌گرایی خداپرستانه درباره اعتقاد به قوانین تاریخی شاخص، با گونه‌های دیگر آموزه‌های موجود، وجوه مشترک دارد. این وجوه اشتراک را می‌توان کشف کرد و بر اساس آنها آئینه نوع بشر را پیش‌بینی نمود.

بدون تردید زندگی اجتماعی به شیوه قبیله‌ای، خاستگاه نظریه قوم برگزیده است. قبیله‌گرایی یعنی این که قبیله دارای اهمیتی بس بزرگ است چنان که فرد به تنهایی بدون آن، به کلی هیچ است. این اصلی است که در بسیاری از گونه‌های تهریات تاریخ‌گرایی می‌توان یافت. گونه‌های دیگری که مدت درازی است که قبیله پرست نیستند، هنوز اصلی از اصول جمع‌گرایی را (collectivism) حفظ کرده‌اند. شاید آنها بر قدر و ارزش بعضی از گروه‌ها یا امور اشتراکی - به عنوان نمونه طبقه‌ای خاص - تأکید کنند که بدون این طبقه نیز فرد به کلی هیچ است. در سیمایی دیگر، تهریه قوم برگزیده در رَوَندِ غایت مقصود تاریخی خود به گونه‌ای عرضه می‌شود که تسل بدان بسیار بعید می‌نماید، چه، این غایت مقصود تا اندازه‌ای صریح و روشن توصیف می‌گردد؛ ولی برای رسیدن بدان مقصود به ناگزیر باید راهی دراز طی شود. راهی نه تنها دراز، بلکه پُربپیچ و خم و پر فراز و نشیب که به چپ و راست می‌رود. از اینرو می‌توان هر رویداد امکان‌پذیر تاریخی را در محدوده آن جای داد، و ممکن نیست که تجربه‌ای بتواند آن را رد و تکذیب کند، ولی درباره پی‌آمد نهایی تاریخ بشر - به معتقدان آن جمعیت خاطر می‌بخشد.

در فصل آخر این کتاب از تفسیر خداپرستانه تاریخ انتقاد می‌کنم. و در آنجا نیز تذکر می‌دهم که بعضی از بزرگترین اندیشمندان مسیحی این نظریه را بُت‌پرستی هسته و رد و انکار کرده‌اند. بنابراین حمله به این گونه تاریخ‌گرایی نباید به عنوان